

احسان تقوایی، کارشناس مسائل روسیه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# روسیه در مذاکرات چه می‌کند؟



عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران برای انتقال پیام رهبر انقلاب به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه صبح امروز راهی مسکو شد. این سفر در حالی انجام می‌شود که مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا از طریق کانال عمان در جریان است. هم‌زمان، تحولات سیاسی در آمریکا، از جمله بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و نقش میانجی‌گری احتمالی او در جنگ اوکراین، به‌همراه روابط نزدیک او و نماینده‌اش، استیو وینکاف، با پوتین، لایه‌های جدیدی به پیچیدگی‌های روابط بین‌المللی ایران، روسیه و آمریکا افزوده است. به‌بهانه این سفر در گفت‌وگو با احسان تقوایی، کارشناس مسائل روسیه به بررسی تأثیر روسیه بر مذاکرات ایران و آمریکا پرداخته‌ایم.

### پس از جنگ اوکراین همکاری با مسکو افزایش یافت؛ اما کامل نیست

به گفته تقوایی، در ایران دو دیدگاه غالب در باره روسیه وجود دارد. گروهی معتقدند ایران باید روابط استراتژیک با روسیه را حفظ و تقویت کند، درحالی‌که گروه دیگر روسیه را عامل مشکلات ایران می‌دانند و معتقدند مسکو منافع خود را بر منافع تهران ترجیح می‌دهد. این دو دیدگاه، اگرچه در شرایط خاصی ممکن است توجیه‌پذیر باشند، اما به گفته این کارشناس، تصویری دقیق از واقعیت روابط دو کشور ارائه نمی‌دهند. تقوایی تأکید می‌کند که فارغ از احساسات مثبت یا منفی نسبت به روسیه، روابط ایران و این کشور ریشه در پیشینه تاریخی مشترکی دارد که هر چند نمی‌توان آن را کاملاً مثبت توصیف کرد، اما نیازمند نگاهی واقع‌بینانه است.

روسیه به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل ناگزیر یکی از شرکای دیپلماتیک ایران است. تقوایی می‌گوید هر دولتی در ایران صرف‌نظر از رویکرد سیاسی‌اش، باید سطحی از روابط با مسکو را حفظ کند. او به تحولات روابط دو کشور اشاره می‌کند و می‌افزاید که تا پیش از جنگ سوریه، مناسبات ایران و روسیه چندان عمیق نبود، اما پس از آن همکاری‌ها به‌ویژه در حوزه‌های نظامی و سیاسی افزایش یافت. باین حال، این افزایش همکاری‌ها به معنای تحقق کامل پتانسیل‌های دو کشور نیست.

یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی کیفیت روابط ایران و روسیه حجم تجارت و همکاری‌های اقتصادی است. تقوایی اشاره می‌کند که با وجود تحریم‌های گسترده غرب علیه هر دو کشور و ظرفیت‌های موجود، ایران و روسیه نتوانسته‌اند به سطح مطلوبی از تجارت و همکاری اقتصادی دست یابند. این موضوع نشان‌دهنده موانع ساختاری و شاید تفاوت در اولویت‌های دو کشور است. یکی دیگر از نکات مطرح‌شده توسط تقوایی تأثیر بعد اسلامی بر روابط ایران و روسیه است. او اشاره می‌کند که ایران به‌عنوان کشوری اسلامی و وجود جمعیت قابل توجه مسلمان در جمهوری‌های فدراسیون روسیه، بر سیاست‌های مسکو تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، روسیه تلاش می‌کند بحران‌ها را مدیریت کند تا از کنترل خارج نشوند زیرا در غیر این صورت توانایی این کشور برای مذاکره با غرب کاهش می‌یابد.

### تهدید ایران از سوی غرب با منافع روسیه در تضاد است

به گفته تقوایی، دیدگاه‌های متفاوتی درباره نقش ایران و روسیه در روابط یکدیگر وجود دارد. برخی معتقدند روسیه از ایران به‌عنوان ابزاری برای تنظیم روابط خود با غرب استفاده می‌کند. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که ایران در مواقع بین‌ست در روابط با غرب به روسیه به‌عنوان یک اهرم دیپلماتیک متوسل می‌شود. این بازی دوسو به نشان‌دهنده پیچیدگی‌های روابط دو کشور است که نه کاملاً همسو و نه کاملاً متضاد هستند. تقوایی به ذهنیت غالب در میان نخبگان روس درباره ایران اشاره می‌کند. از نظر روس‌ها ایران تمایل بیشتری به برقراری روابط با غرب دارد و بهبود قابل توجه روابط تهران – واشنگتن می‌تواند به ضرر مسکو تمام شود.

به گفته تقوایی، تضعیف ایران به زیان منافع روسیه است و این موضوع فرصتی برای تهران ایجاد می‌کند. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط ویژه‌اش در منطقه، برای روسیه از اهمیت بالایی برخوردار است. روسیه آگاه است که تهدید ایران از سوی غرب، مانند ایالات متحده یا اسرائیل، با منافع این کشور در تضاد است. از سوی دیگر، گرایش کامل ایران به غرب نیز برای مسکو مطلوب نیست. به همین دلیل، روسیه به دنبال ایجاد شرایطی است که در آن ثبات منطقه‌ای حفظ شود و این کشور بتواند فضا را کنترل و مدیریت کند. تقوایی به برخی تصورات نادرست در ایران درباره روسیه اشاره می‌کند. برخی معتقدند که روسیه هیچ اقدامی در راستای حمایت از ایران انجام نمی‌دهد. او توضیح می‌دهد که ممکن است روسیه در برخی موارد توانایی اقدام مؤثری نداشته باشد، اما این به معنای مطلوب بودن وضعیت برای مسکو نیست. به‌ویژه، روسیه به‌هیچ‌وجه خواستار حمله کشورهای غربی به ایران نیست، زیرا چنین اقدامی به نفع روسیه نخواهد بود.

سناریویی ثابت منطقه‌ای را به خطر می‌اندازد و ابزارهای مذاکراتی روسیه با غرب را تضعیف می‌کند.

نقش پشت پرده مسکو در مذاکرات تقوایی به پیچیدگی‌های معادلات بین‌المللی اشاره می‌کند و می‌گوید روسیه، علاوه بر موضوع ایران، خود در حال مذاکره با غرب بر سر مسئله اوکراین است. او با اشاره به تحلیل‌هایی که نشان‌دهنده احتمال دستیابی به توافق صلح به نفع روسیه در این مذاکرات است، تأکید می‌کند که قدرت‌های بزرگ معمولاً در قالب مبادلات و معاملات سیاسی با یکدیگر تعامل می‌کنند. در این معادله، هم موضوع ایران و هم مسئله اوکراین نقش دارند و نمی‌توان آن‌ها را به‌صورت جداگانه بررسی کرد. تقوایی معتقد است که نمی‌توان با قطعیت گفت ایالات متحده بخشی از مدیریت مذاکرات ایران و غرب را به روسیه واگذار کرده است، اما احتمالاً آمریکا معتقد است ایران به مواضع و توصیه‌های روسیه توجه نشان می‌دهد. به‌همین دلیل، ممکن است واشنگتن از مسکو بخواهد با تهران به‌گونه‌ای تعامل کند که واکنش‌های تند ایران نسبت به خواسته‌های غرب تعدیل شود. این رویکرد، به گفته تقوایی، نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای استفاده غیرمستقیم از اهرم روسیه در مذاکرات با ایران است. به گفته تقوایی، فارغ از اهمیت میزبانی مذاکرات به نظر می‌رسد روسیه در پشت پرده تحرکاتی داشته و ابتکار عملی را به دست گرفته است. او فرضیه‌ای مطرح می‌کند که بر اساس آن روسیه نه تمایل دارد ایران به سمت غرب گرایش پیدا کند و نه مایل است این کشور تضعیف شود، زیرا هیچ‌یک از این سناریوها با منافع مسکو همخوانی ندارد. تقوایی معتقد است که روس‌ها از نگرانی نسبت به حمله احتمالی غرب به ایران، تلاش کرده‌اند شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که از چنین سناریویی جلوگیری شود. در این چهارچوب، اینکه مذاکرات در مسکو یا مسقط برگزار شود، چندان اهمیتی ندارد؛ آنچه مهم است، نقش فعال روسیه در حفظ تعادل استراتژیک است.

نگرانی مسکو از توافق بدون سهم تقوایی در ادامه با اشاره به تجربه مذاکرات برجام، به‌ویژه در مراحل نهایی آن خاطرنشان می‌کند که نشانه‌هایی از نارضایتی مسکو در آن مقطع مشهود بود. به گفته تقوایی یکی از نمونه‌های این نارضایتی، فیت غیرمنتظره سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در یکی از جلسات کلیدی مذاکرات بود؛ جلسه‌ای که با حضور تمامی وزرای خارجه برگزار می‌شد. بررسی رسانه‌های روسی نیز در همان زمان حکایت از آن داشت که کرملین چندان از نزدیک‌شدن ایران و غرب خوشحال نیست. دلیل روشن بود. اگر برجام امضا می‌شد و روابط ایران با غرب بهبود می‌یافت، روسیه نقش و اهرم تأثیرگذاری خود را تا حد زیادی از دست می‌داد. البته این سناریو در نهایت به طور کامل محقق نشد، اما هشدار روشنی از حساسیت‌های موجود در سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران بود، در این میان، ایالات متحده نیز با نگاه‌های متفاوتی در مقاطع مختلف به ایران نگاه می‌کند.

مذاکرات می‌نگریست. دولت باراک اوباما با رویکردی عمدتاً امنیتی به دنبال مهار تهدیدات ناشی از برنامه هسته‌ای ایران بود. اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ، این نگاه به سمت مسائل اقتصادی چرخش پیدا کرد. از دید ترامپ و تیمش، توافقی که آمریکا آن را رهبری کند؛ اما دیگران از جمله روسیه، چین یا اروپا از مزایای اقتصادی‌اش بهره‌مند شوند، توافق قابل‌قبولی نیست. این نگاه یکی از موانع جدی مذاکرات در آن دوره بود و هنوز هم در محاسبات آمریکا اثرگذار است. به باور تقوایی، تردید روسیه در مورد اینکه ایران در نهایت به سمت غرب متمایل خواهد شد یا نه همچنان پابرجاست. اما آنچه از رفتار روسیه برداشت می‌شود، تمایل مسکو به حفظ یک وضعیت مدیریت‌شده در روابط سه‌جانبه ایران، آمریکا و روسیه است. به‌عبارت‌دیگر، روسیه خواهان حفظ ثبات نسبی است، اما تحولی غافلگیرکننده که معادلات را برهم بزند، به‌هیچ‌وجه مطلوب کرملین نیست.

### اهرم فشار ایران زمانی برای روسیه کارایی دارد که تهران در موضع قدرت باشد

در داخل ایران برخی منتقدان روابط با روسیه بر این باورند که مسکو از تهران صرفاً به‌عنوان یک ابزار برای پیشبرد منافع خود در برابر غرب بهره‌برداری می‌کند. اما در موضوع اوکراین این ایالات متحده بود که پیشنهاد مذاکره برای پایان‌دادن به جنگ را مطرح کرد. دیدگاه موجود در اردوگاه ترامپ نیز این بوده که اگر آن‌ها در قدرت بودند، اساساً این جنگ رخ نمی‌داد؛ حالا که چنین بحرانی شکل گرفته، باید راهی برای پایان آن یافت و شاید ایران هم در این معادله نقشی داشته باشد. در نگاه روسیه، ایران یک کشور مهم و استراتژیک است، اما این اهمیت زمانی معنا پیدا می‌کند که ایران دارای قدرت و ثبات نسبی باشد. تضعیف شدید ایران از طریق حمله نظامی، فشار اقتصادی یا بی‌ثباتی داخلی عملاً ابزاری برای روسیه باقی نمی‌گذارد. اهرم فشار تنها زمانی کارآمد است که پشتوانه‌ای واقعی داشته باشد. در نتیجه، منافع روسیه ایجاب می‌کند ایران نه آن‌قدر قوی شود که در تضاد با منافعش قرار گیرد و نه آن‌قدر تضعیف شود که دیگر در معادلات منطقه‌ای قابل استفاده نباشد.

### موضع محتاطانه کرملین درباره پرونده هسته‌ای ایران

تقوایی همچنین به پرونده هسته‌ای ایران نیز اشاره می‌کند و نگاه دقیق‌تری به موضوع روسیه در این زمینه دارد. برخلاف تصورات رایج، روسیه حامی بی‌قیدوشرط برنامه هسته‌ای ایران نیست. در واقع، کرملین با استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و غنی‌سازی در سطح پایین مشکلی ندارد، اما این به معنای تأیید کامل اهداف و برنامه‌های بلندمدت جمهوری اسلامی نیست. او تأکید می‌کند که روسیه، گرچه ممکن است در مقایسه با آمریکا کمتر موضع‌گیری کند، اما موضعش نه حمایتی کامل، بلکه محتاطانه و مبتنی بر حفظ منافع خود است. این احتیاط نیز بخشی از همان سیاست کلان مسکو یعنی حفظ توازن، جلوگیری از تنش‌های غیرقابل کنترل، و استفاده از ایران به‌عنوان یکی از ابزارهای تعامل در میز بزرگ سیاست جهانی است.

### ایران و روسیه؛ رابطه‌ای واقع‌گرایانه دارند نه استراتژیک

این کارشناس مسائل روسیه، تأکید ویژه‌ای بر ماهیت پیچیده و چندلایه روابط تهران و مسکو دارد. او معتقد است برخلاف آنچه گاه در فضای سیاسی و رسانه‌ای مطرح می‌شود، روابط ایران و روسیه را نمی‌توان به‌درستی «شراکت استراتژیک» نامید. این واژه، به گفته او، بار معنایی و الزامات خاصی دارد که در روابط این دو کشور به طور کامل دیده نمی‌شود. تقوایی با اشاره به تحولات سوریه می‌گوید روند پیش‌آمده در این کشور، در نهایت به سود ایران و روسیه نبوده است؛ گرچه هر دو کشور در کنار یکدیگر درگیر این بحران شدند. او در ادامه به گفتار جنوبی و موضوع مناقشه قره‌باغ اشاره می‌کند و می‌گوید که در این زمینه نیز روند تحولات با منافع ایران هم‌راستا نبوده است. بازپس‌گیری سرزمین‌های تحت کنترل از منستان توسط جمهوری آذربایجان، اتفاقی بود که تا پیش از آن روسیه مانع تحققش می‌شد، اما در نهایت کرملین عقب‌نشست؛ تحولی که از نظر تقوایی، نمی‌توان آن را در راستای منافع راهبردی ایران دانست. تحلیل تقوایی در این مرحله وارد فاز اقتصادی می‌شود، جایی که نقش ایران به‌عنوان یک بازیگر بالقوه در بازار انرژی اروپا مطرح است.

او تأکید می‌کند که در جریان مذاکرات برجام، یکی از نگرانی‌های اساسی روسیه این بود که نزدیکی ایران با غرب ممکن است به شکلی پیش رود که ایران به گزینه‌ای برای تأمین انرژی اروپا تبدیل شود؛ مسئله‌ای که از دیدگاه مسکو، تهدیدی مستقیم برای منافعش به حساب می‌آمد. روسیه سال‌ها از صادرات انرژی به‌عنوان اهرم فشار و ابزار دیپلماتیک در برابر غرب استفاده کرده، اما پس از بحران اوکراین و تحریم‌های گسترده علیه این کشور، این ابزار دیگر مانند گذشته قابل اتکا نیست.

به همین دلیل، تقوایی معتقد است روسیه همچنان تمایل دارد ایران را به‌عنوان یک اهرم در روابط خارجی‌اش حفظ کند، هرچند ابزارهای سنتی آن تضعیف شده‌اند.

### لزوم تنوع در روابط خارجی؛ پرهیز از یکجانبه‌گرایی

تقوایی در پایان بر این نکته کلیدی دست می‌گذارد که ایران ناگزیر از برقراری رابطه با قدرت‌های چون روسیه است. روسیه عضو دائم شورای امنیت است و نقش تأثیرگذاری در معادلات جهانی دارد. اما در کنار این ضرورت، یک هشدار راهبردی نیز مطرح می‌شود مبنی بر اینکه اگر سیاست خارجی ایران چندوجهی نباشد و بیش از اندازه بر یک کشور تکیه کند، در صورت بروز تنش یا اختلاف، کشور از داشتن گزینه‌های جایگزین محروم خواهد شد. او با اشاره به ضرب‌المثل معروف دیپلماتیک که می‌گوید: «نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد گذاشت» معتقد است این اصل نه فقط درباره روسیه، بلکه درباره هر کشور دیگری نیز صادق است. به باور او، سیاست خارجی موفق نیازمند انعطاف، تنوع و توانایی مانور در برابر چالش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر است.

### فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

### روایت‌های متفاوت از روابط ایران و روسیه؛ از نگاه غرب تا دیدگاه داخلی

### روایت‌های متفاوت از روابط ایران و روسیه؛ از نگاه غرب تا دیدگاه داخلی

مناسبی دانست. در سوی دیگر معاونت امور مجلس نیاز به روحیاتی برای چانه‌زنی و شاید حتی ورود در لابی‌های مختلف احزاب و کمیسیون‌ها دارد که معلوم نیست چقدر با روحیات و فضای ذهنی و کاری محسن اسماعیلی هماهنگ باشد.

در کلیت هم شاید ادعای بی‌راهی نباشد که بگوییم وقتی ادغام بی‌ربطی انجام می‌شود، یافتن کسی که بتواند هر دو مسئولیت را هم‌زمان و به‌خوبی انجام دهد، سخت باشد. در همین متن انتصاب محسن اسماعیلی هم این تفاوت و البته بی‌ربطی روشن است.

اسماعیلی از سوی باید «با سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب و تعامل مؤثر و سزازنده با مجلس شورای اسلامی، نسبت به تنظیم و ارتقای روابط قوای مجریه و مقننه، اهتمام ورزد» که خود یک کار تمام وقت است و از سوی دیگر، با «بهرگیری از تجربه انباشته مدیران ارشد کشور در دهه‌های گذشته و توانمندی‌های گسترده علمی، تخصصی و کاربردی نخبگان، اندیشکده‌ها و نهادهای جامعه مدنی، نسبت به رصد و انعکاس تحولات کلان داخلی و بین‌المللی و میزان دستیابی به اهداف مقرر در قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی مصوب مقام‌مظفر‌رهبری (مدظله‌العالی) مجدانه‌کوشا باشد.» که این هم خود یک کار تمام‌وقت است. با این وجود آیا می‌توان نسبت به این ادغام و سپردن هر دو صندلی این دو معاونت به یک شخص واحد خوش‌بین بود؟

## فرهنگی محاسبانه

# فرهنگی محاسبانه

### فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴

شماره ۴۳۸۹

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه

فرهنگی محاسبانه در سیاست خارجی ایران؛ نگاه به روسیه